

بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی در شهر سمنان

تاریخ پذیرش: 1398/12/10

تاریخ دریافت: 1398/10/01

نیر پیراهری¹

از صفحه 141 تا 162

چکیده

زمینه و هدف: اگر در جامعه‌ای از قوانین اطاعت نشود، منجر به ایجاد بی‌نظمی و هرج و مرج در ارکان مختلف آن جامعه شده و امنیت اجتماعی نیز به خطر می‌افتد. در همین راستا پژوهش حاضر به بررسی رابطه عوامل فرهنگی و اجتماعی با قانون‌گریزی پرداخته است.

روش‌شناسی: تحقیق حاضر از لحاظ روش یک تحقیق پیمایشی است که از تکنیک پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه ساکنین شهر سمنان هستند که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی تعداد 248 نفر انتخاب شده‌اند. میزان آلفای کرونباخ برای متغیر قانون‌گریزی 0/9 به دست آمد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد میزان قانون‌گریزی در بین 36/5 درصد پاسخگویان کم، 52/8 درصد تا حدودی و 10/7 درصد زیاد است. میانگین میزان قانون‌گریزی در بین پاسخگویان 1/3 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان کمی را نشان می‌دهد.

نتایج: نتایج نشان می‌دهد بین میزان اعتماد اجتماعی، میزان رضایت از زندگی با میزان قانون‌گریزی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان احساس انومی با قانون‌گریزی پاسخگویان رابطه معنادار مستقیم وجود دارد. بین احساس تبعیض و جمع‌گرایی با میزان قانون‌گریزی پاسخگویان رابطه معنادار ملاحظه نگردید.

واژه‌های کلیدی: قانون‌گریزی، اعتماد اجتماعی، احساس تبعیض، احساس انومی، جمع‌گرایی.

نظم اجتماعی از مهم‌ترین مفاهیم حوزه علوم اجتماعی است و به همین دلیل همواره مسأله اصلی جامعه‌شناسان پرداختن به مقوله نظم یا بی‌نظمی اجتماعی بوده و هست، زیرا بدون نظم، جامعه دچار نوعی آنومی یا آشفتگی اجتماعی خواهد شد. اساس نظم اجتماعی در هر جامعه مجموعه‌ای از ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است. با پایبندی افراد جامعه به قواعد اجتماعی است که نظم اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود و تداوم می‌یابد. پایبند نبودن به قواعد اجتماعی یا قانون‌گریزی در هر جامعه‌ای تا اندازه‌ای وجود دارد، اما در برخی موارد این موضوع به مسئله‌ای اجتماعی تبدیل می‌شود (علی بابایی و فیروزجانیان، 1388: 7). قانون‌گریزی مترادف با نظم‌گریزی است که عوارض آن قانع نبودن شخص به حقوق خود، تعرض به حقوق دیگران، انجام ندادن تکالیف، گریز از مسئولیت و رسیدن به مقصود به هر طریق ممکن است. از بُعد حقوقی می‌توان قانون‌گریزی را این گونه تعریف کرد: قانون‌گریزی، نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارهاست که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی هستند. شیوع تکرار این رفتار، میزان قانون‌گریزی افراد را تعیین می‌کند (میرفردی و فرجی، 1395: 94). اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداخته‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود (عزیزی و پرتوی، 1394: 115). مطالعاتی که در دو دهه اخیر به صورت نظرسنجی (نظرسنجی صدا و سیما، 1377؛ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1381 و ...) انجام شده است، رفتارهای قانون‌گریزانه از جمله نادیده گرفتن قوانین راهنمایی و رانندگی، عدم پرداخت مالیات و پرداخت رشوه در ادارات کشور را تأیید کرده‌اند. در طرح پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها که در سال 1382 در سراسر کشور انجام پذیرفت، 18/2 درصد پاسخگویان معتقد بودند از قانونی که نامناسب است نباید اطاعت کرد و 69/4 درصد هم دزدی را در جامعه زیاد دانسته‌اند (علی بابایی و فیروزجانیان، 1388: 9).

استان سمنان از نظر وسعت خاکی هفتمین استان کشور است، و از نظر رفت‌وآمدی همه ترانزیت شرق به غرب از استان سمنان انجام می‌شود و جاده شمال به جنوب (ارتباط بندرعباس و بندر امین‌آباد) نیز از این استان می‌گذرد و حدود 5 محور هم از استان به شمال کشور یعنی به استان‌های گلستان و مازندران می‌روند. در سال 1395

نتایج تحقیقات نشان داد سه استان سمنان، البرز و تهران به ترتیب به لحاظ شاخص‌های سرقت در رتبه‌های اول تا سوم قرار داشته و در بین استان‌های کشور دارای بدترین وضعیت بوده‌اند. در مقابل استان‌های همدان، زنجان و کردستان نسبت به دیگر استان‌های کشور در وضعیت نسبی مناسب‌تری قرار دارند. همچنین شکاف عمیق بین استان‌های کشور به لحاظ شاخص‌های سرقت عمیق می‌باشد. به این صورت که امتیاز نهایی استان سمنان (دارای بیشترین میزان سرقت در کشور) حدود 11 برابر استان کردستان (دارای کمترین میزان سرقت در کشور) بوده است (شمس‌الدینی و جمینی، 1396: 100). با توجه به مطالب مطرح شده و شرایط شهر سمنان بررسی میزان قانون‌گریزی و عوامل مرتبط با آن ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین مهم‌ترین سوال اصلی پژوهش این است که میزان قانون‌گریزی در این شهر چقدر هست؟ و عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با قانون‌گریزی کدامند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

قانون‌گریزی¹: عبارت است از مخالفت با قوانین رسمی جامعه و نادیده گرفتن قواعد رفتاری و هنجارها که دارای ضمانت‌های اجرایی رسمی می‌باشند و قانون‌گریز کسی است که با رفتار خود به صورت آگاهانه و از روی عمد قوانین رسمی جامعه را نادیده می‌گیرد. با توجه به این که همه افراد جامعه در طول زندگی خود از چند قاعده رسمی تخطی می‌کنند و کسانی هم هستند که دائماً قوانین را نادیده می‌گیرند، بنابراین قانون‌گریزی طیفی از رفتار است که از قانون‌گریزی دائمی، خشن و شدید مثل سرقت، قتل و ... تا قانون‌گریزی گاه‌گاهی، غیرخشن و ضعیف مثل ندادن مالیات، عبور از چراغ قرمز و ... را دربر می‌گیرد. آن چه که مسلم است این که افراد کمتری در هر جامعه مرتکب قانون‌گریزی از نوع اول می‌شوند، در حالی که همه افراد جامعه به نوعی مرتکب قانون‌گریزی از نوع دوم می‌شوند. بر این اساس قانون‌گریزی را بر اساس ویژگی‌ها و شدت آن می‌توان به دو نوع متفاوت سخت و نرم تقسیم کرد (فیروزجاییان، 1388: 385).

1- Law absconding

قانون‌گریزی سخت¹

به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی خشونت‌آمیز، دائمی و همراه با مجازات شدید باشد، قانون‌گریزی سخت گفته می‌شود. در بیشتر مواقع در اثر این نوع قانون‌گریزی فرد خاصی آسیب می‌بیند. این نوع قانون‌گریزی در جامعه به عنوان جرم شناخته می‌شود و به افرادی که این نوع قانون‌گریزی از آن‌ها سر می‌زند مجرم می‌گویند (فیروزجائیان، 1388: 385).

قانون‌گریزی نرم²

به هر نوع رفتاری که قوانین رسمی جامعه را نادیده گرفته و دارای ویژگی غیرخشونت‌آمیز، گاه‌گاهی و عمدتاً بدون مجازات یا مجازات ضعیف باشد قانون‌گریزی نرم گفته می‌شود. در نتیجه این نوع قانون‌گریزی عمدتاً جامعه آسیب می‌بیند. در جامعه این نوع قانون‌گریزی به عنوان جرم در نظر گرفته نمی‌شود و کمتر عکس‌العملی منفی در برابر این نوع قانون‌گریزان دیده می‌شود. این نوع قانون‌گریزی به دلیل فراوانی و سهولت در انجام آن بیش‌تر به صورت عرف در جامعه درآمده است (فیروزجائیان، 1388: 385).

رضایت³: اینگلهارت⁴ مفهوم رضایت را این گونه تعریف می‌نماید: احساس رضایت از بازتاب توازن میان آرزوهای شخصی و وضعیت عینی فردی به وجود می‌آید (اینگلهارت، 1998: 241).

احساس تبعیض⁵: تبعیض و نابرابری اجتماعی به طور کلی‌تر به تفاوت‌های میان افراد (یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده است اشاره می‌کند، که بر نحوه‌ی زندگی آن‌ها، خاصه بر حقوق و فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد. در این جا، مهم‌ترین تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی هستند که به معنی اجتماعی ساختاری شده‌اند، تفاوت‌هایی که جزء لاینفک کنش متقابل و مستمر افراد هستند (گرب⁶، 1381: 10).

1- Hard-Law absconding
2- Soft-Law absconding
3- Satisfaction
4- Inghelhart
5- Discrimination
6- Gereb

اعتماد اجتماعی¹: اعتماد اجتماعی به معنای اعتماد فرد به دیگران و عدم بدگمانی به افراد جامعه تعریف می‌شود. بدون وجود عنصر اعتماد، روابط اجتماعی پایدار هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرند (حسینی، 1389: 38).

جمع‌گرایی²: جمع‌گرایی به قدرت گروه، نه به سلطه دولت، بر فرد اشاره دارد. در جمع‌گرایی مصالح جمعی بر مصالح فردی غلبه دارد (عوقی، 1390: 79).

احساس انومی³: منظور از انومی یا آشفتگی اجتماعی، یک وضعیت بی‌قاعدگی یا بی‌هنجاری است که در آن افراد قادر نیستند با قواعد مشترک ارتباط برقرار کنند و نیازهای خود را ارضاء نمایند، در نتیجه نظم فرهنگی و اجتماعی از هم پاشیده می‌شود (رفیع پور، 1378: 13).

نظریه انومی دورکیم⁴

از نظر دورکیم انومی معادل ضعف هنجارهای سنتی است، بدون این که توسط هنجارهای جدیدی جایگزین شوند. در وضعیت بی‌هنجاری نیروهای اجتماعی آزاد هستند، مقررات اجتماعی ناقص، مرز بین ممکن و ناممکن ناشناخته است، موجه و ناموجه نامعلوم، و مرز مشخص ندارند. به این ترتیب، بی‌هنجاری هنگامی وجود دارد که معیارهای روشنی برای راهنمایی فرد در حوزه معینی از زندگی اجتماعی وجود ندارد. دورکیم معتقد است که جرم تا حدی یک پدیده طبیعی برای تمام جوامع است، در تمام زمان‌ها وجود داشته و از فرهنگ و تمدن هر جامعه ناشی می‌شود. وی در تعریف جرم می‌نویسد: «جرم از نظر ما عملی است که حالت نیرومند و روشن وجدان جمعی را جریحه‌دار می‌کند». در بیان خصلت مشترک همه جرم‌ها می‌نویسند: «جرم‌ها اعمالی هستند که همه اعضای یک جامعه آنها را به صورت عام محکوم می‌کنند». دورکیم علل بروز جرایم را در محیط اجتماعی مورد مطالعه قرار داده و معتقد است که جرم یک پدیده عادی اجتماعی است و نباید یک پدیده غیرعادی اجتماعی تلقی گردد. در هر اجتماعی بزهکاری وجود دارد و جامعه‌ای نیست که در آن بزه وجود نداشته باشد. بزه یک عامل سلامتی عمومی و جزء لاینفک هر اجتماع سالم است (رضایی، 1384: 54).

1- Social trust

2- Collectivism

3- Anomie feeling

4- Anomie theory of Durkheim

نظر دورکیم سستی هنجارهای اجتماعی پیشین و بی‌اعتبار شدن سنت‌ها و پیوندهای گروهی معمول به واسطه پیشرفت و توسعه اجتماعی، علت اصلی شرایط بی‌هنجاری و آنومیک است. وی معتقد بود که هیچ جامعه‌ای به وضعیت بی‌هنجاری کامل نمی‌رسد، اما در برخی شرایط میزان بی‌هنجاری در روابط اجتماعی و بخش‌های خاصی از جامعه اوج می‌گیرد. به زعم او، زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده‌ای که با کاهش همبستگی و وفاق روبروست، کمتر التزام‌آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجاری‌های اجتماعی کاسته شده است، آنگاه افزایش شواهد انحرافات همچون جرم و قانون‌گریزی اجتناب‌ناپذیر می‌شوند. دورکیم این وضعیت جامعه را آنومی یا بی‌هنجاری می‌خواند (یعقوبی، 40:1381).

نظریه رضایت از زندگی¹

مازلو² در نظریه سلسله مراتب نیازها مفهوم رضایت را مترادف با ارضای نیاز می‌داند. به طور عادی و معمولی در جامعه پاره‌ای از نیازهای اساسی افراد ارضاء می‌شود و پاره‌ای دیگر ارضاء نشده باقی می‌ماند. به زعم مازلو درصد رضایت افراد در برآوردن نیازها به تدریج افزایش پیدا می‌کند و با گذشت زمان درصد ارضای نیاز بیشتر می‌شود و این امر با انتظارات افراد رابطه مستقیم دارد (مازلو، 1995: 91). بنابراین اگر افراد به نیازهای مورد انتظار خود دست نیابند از جامعه ناراضی باشند دست به قانون‌گریزی می‌زنند.

نظریه محرومیت نسبی³

مفهوم محرومیت نسبی توسط جامعه‌شناسان جودیس بلاو و پیتربلاو⁴ (1982) مطرح شده است. آنها مفاهیمی را از تئوری آنومی با مفاهیمی که در مدل‌های بی‌سازمانی اجتماعی یافت شده است، ترکیب کرده‌اند. بر طبق نظر آنها، افراد طبقات پایین ممکن است هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت نمایند. این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و ناراضی‌گری گردیده و عدم اعتماد را در آنها پرورش می‌دهد، در نتیجه شانس پیشرفت آنها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به وجود می‌آورد که دشمنی و

1- Life Satisfaction theory

2- Maslow

3- Comparative Privation theory

4-Judith Blau & peter Blau

پرخاشگری و سرانجام خشونت و جرم را به دنبال خواهد داشت. جرم‌شناسان معتقدند که نابرابری درآمد در جوامع مختلف، هم تولید فشار می‌نماید و هم باعث افزایش میزان جرم در آنها می‌شود. به خاطر این که شکاف عمده بین فقیر و غنی، کینه‌توزی و عدم اعتماد را به وجود می‌آورد و چنین وضعیتی سرانجام منجر به خشونت و جرم می‌شود. در جوامعی که در آنها نابرابری درآمد افزایش یافته است، یک نوع حقارت و سرافکنندگی در افراد کم درآمد ایجاد می‌شود که این عامل باعث ایجاد انگیزه‌های مجرمانه در برخی از این افراد می‌گردد. روانشناسان یادآوری کرده‌اند که تحت این شرایط مردان جوان نسبت به وضعیت خود نگران خواهند شد، در نتیجه نسبت به افرادی که از وضعیت مطلوبی برخوردار هستند، حسادت خواهند ورزید. چنانچه آنها نسبت به استفاده از شیوه‌های پرخاشگرانه و مخاطره‌آمیز در رقابت‌های اجتماعی ناتوان باشند، شانس کم‌تری برای موفقیت‌های آینده خواهند داشت. به همین خاطر اکثر این افراد مرتکب جرم و خشونت می‌شوند. این فرآیند تحت عنوان تئوری محرومیت نسبی بیان گردیده است (بلاو و بلا، 1982؛ به نقل از مبارکی، 1383:74). به طور کلی، براساس دیدگاه محرومیت نسبی، فرد به مقایسه خود با افراد دیگر و گروه مرجع دست می‌زند و دوست دارد که شرایط مشابه با آنها را داشته باشد و اگر در نتیجه مقایسه برای فرد چنین پنداشتی بروز نماید که براساس میزان سرمایه‌گذاری و تلاش، پاداش و نتیجه‌ای که عایدش شده در مقایسه با دیگران عادلانه و منصفانه نیست دچار احساس محرومیت نسبی شده و این امر باعث بروز نارضایتی در دو سطح فردی و اجتماعی می‌شود (هزارجریبی و صفری شالی، 1388:14).

نظریه انتخاب عقلانی¹

یکی از نظریه‌هایی که می‌تواند جمع‌گرایی و توجه به منافع جمعی را تبیین کند، نظریه «انتخاب عقلانی» است. این نظریه در زمره رویکردهای نظری است که در تبیین پدیده‌های اجتماعی، علاوه بر توجه به ساختارها و ضرورت‌های اجتماعی، از عامل انسانی و انگیزه‌ها و تمایلات او غفلت نمی‌کند. اصل محوری در الگوی تبیینی انتخاب عقلانی این است که رفتار آدمیان هدف‌دار و سنجیده است. فرض بر این است که

انسان‌ها در چند راهی‌ها محاسبه سود و زیان می‌کنند و راهی را که با اغراض‌شان موافق است بر می‌گزینند.

جمع‌گرایی دو گونه است: جمع‌گرایی منفعلانه و غیرعقلانی که پیش از شکل‌گیری فردیت وجود دارد و لازمه‌اش استحاله فرد در گروه است و جمع‌گرایی مدبرانه و عقلانی که مسبوق به شکل‌گیری فردیت است و در آن فرد در عین توجه به منافع جمعی، از شخصیت و هویتی مستقل برخوردار است. جمع‌گرایی عقلانی و غیرعقلانی هر دو به معنای در نظر گرفتن منافع جمعی در انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست، با این تفاوت که در نوع اول، فرد کاملاً آرمان‌ها و ارزش‌های گروه را پذیرفته و از خود نظر و شخصیت مستقلی ندارد؛ اما در نوع دوم با اینکه فرد شخصیت و دیدگاه‌های خاص خود را دارد، با در نظر گرفتن این که منافع او به منافع جمع پیوند خورده، در انتخاب‌ها و رفتارهای خود، به صورت آگاهانه و ارادی، منافع جمع را نیز لحاظ می‌کند (معیدفرد و همکاران، 1385: 37).

نظریه اعتماد¹

کاکس² (1997) معتقد است روابط اجتماعی در صورتی به منبعی بالقوه برای تحقق اهداف جمعی در می‌آید که در فضایی اعتماد‌آمیز و مبتنی بر هنجارهای دعوت‌کننده به مشارکت و کمک و مساعدت به دیگران بنا شده باشد. هر جامعه‌ای که اعضای غیرقابل اعتماد زیادی دارد، فاقد تجارب و انتظارات مثبت هستند، در مورد پیروی از قوانین (قانون‌گرایی)، جرم، خودکشی، خشونت، شرایط بهداشتی و سایر شاخص‌های اجتماعی مشکلات اساسی دارد (زارع شاه آبادی و ترکان، 1392: 94).

به عقیده کلمن³ اعتماد کردن مستلزم ارزیابی موقعیت کنش و میزان سود یا زیان حاصل از اعتماد و عدم اعتماد است. اگر در جامعه‌ای بی‌اعتمادی در بین مردم شایع گردد و مردم وجدان خود را نادید انگارند، اعمال ضد اجتماعی و جرائم اموری عادی قلمداد می‌گردند (جوهری و بالاخانی، 1385: 6). بر اساس این نظریه‌ها اعتماد به دولت و نهادهای تخصصی از سوی افراد، باعث کاهش قانون‌گریزی در جامعه می‌شود.

1- Trust theory

2- Cox

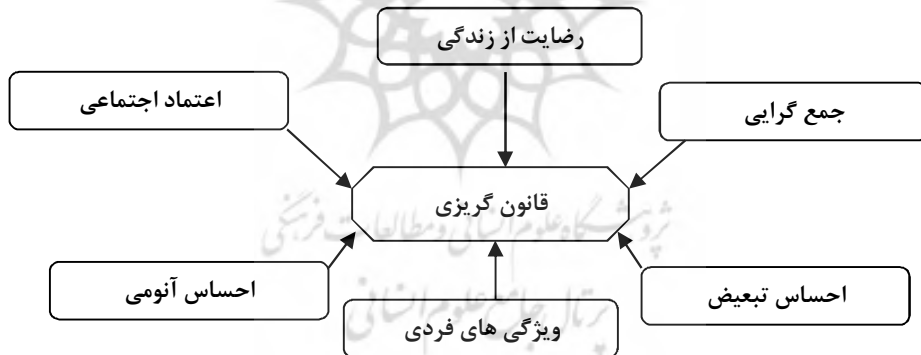
3- Coleman

میرزایی و همکاران (1396) پژوهشی تحت عنوان «تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی بر قانون‌گریزی (مورد مطالعه: استان خوزستان)» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که بیشترین و کمترین حوزه‌هایی که در آن پاسخگویان مرتکب قانون‌گریزی شده‌اند به ترتیب قانون‌گریزی مالی-اقتصادی و فرهنگی-آموزشی بوده است. همچنین به تفکیک متغیرهای زمینه‌ای نشان می‌دهد که بین متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت شغلی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین احساس آنومی و قانون‌گریزی رابطه معناداری مستقیم وجود دارد. میرفردی و فرجی (1395) تحقیقی تحت عنوان «بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان مشارکت اجتماعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معکوس و معناداری وجود دارد؛ در حالی که بین میزان کنترل اجتماعی و متغیر وابسته رابطه معنی‌دار وجود ندارد. بین استفاده از رسانه‌های جمعی و گرایش به قانون‌گریزی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، مردان و افراد مجرد، نسبت به زنان و افراد متأهل گرایش بیشتری به قانون‌گریزی، داشته‌اند. در مجموع، متغیرهای تحقیق 29/1 درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند. عزیزی و پرتوی (1394) تحقیقی تحت عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مرتبط با میزان قانون‌گریزی شهروندان شهر مریوان در سال 1393-94» انجام داده‌اند. نتایج نشان داد که متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، پایبندی اعضای خانواده به قانون و پایبندی اعضای گروه دوستان به قانون با قانون‌گریزی پاسخگویان همبستگی معکوس و معنی‌داری داشته است و مدت زمان سکونت افراد در شهر با میزان قانون‌گریزی آنها همبستگی مستقیم و معنی‌داری داشته است. میزان قانون‌گریزی مردان از زنان و افراد مشاغل آزاد از مشاغل دولتی بیشتر بوده است. تحلیل رگرسیون چندمتغیره هم نشان داد که متغیرهای تحصیلات پاسخگویان، میزان قانون‌گریزی در خانواده فرد و میزان قانون‌گریزی دوستان بر قانون‌گریزی پاسخگویان تأثیر معنی‌داری داشته‌اند، این متغیرها با همدیگر 21 درصد از تغییرات قانون‌گریزی افراد را تبیین کرده‌اند.

وانگ ژیو شو و شانگ¹ (2010) در پژوهش خود تحت عنوان «بررسی عوامل روانشناختی مؤثر بر قانون‌گرایی» نشان دادند که بین میزان شناخت منفی از اعمال قانونی و تمایل به قانون‌گرایی ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین میزان تجربه مثبت از اعمال قانونی، میزان دریافت شناختی از مشروعیت قانون، میزان برداشت از تجربه قانون‌گرایی و میزان آگاهی از تنبیه کیفری رفتار غیرقانونی و قانون‌گرایی ارتباط مثبت و معنی‌دار وجود دارد. فریر² (2009) پژوهشی با عنوان «قانون‌شکنی زمانی که دیگران انجام می‌دهند»، انجام داده است. محقق در این تحقیق به دنبال تأثیر اهمیت مجاورت بر روی جرم بوده است. نتایج تحقیق نشان داده است که مجاورت با افراد بزهکار بر قانون‌شکنی آنها تأثیر معنی‌داری داشته است. آنها همچنین نشان دادند که تأثیر مجاورت ممکن است با سودمندی فن‌آوری اجرایی ارتباط داشته باشد و اینکه البته منافع افراد در شکستن قانون با یکدیگر نامتجانس است.

مدل مفهومی پژوهش

با توجه به مطالعات انجام شده مدل مفهومی پژوهش به شکل ذیل ترسیم می‌گردد:



شکل 1- مدل مفهومی پژوهش

1- Wang xiao show & Shang

2- Freer

روش پژوهش

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نوع تحقیقات پیمایشی می‌باشد. در این تحقیق جامعه آماری شهروندان 18 سال به بالای شهر سمنان می‌باشند. در پژوهش حاضر جهت تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است که 248 نفر انتخاب شده‌اند. برای انتخاب نمونه نیز از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. در این پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها به دو روش کتابخانه‌ای و میدانی صورت پذیرفت. ابزار سنجش در این پژوهش شامل پرسشنامه است. در این پژوهش از آزمون‌های آماری تی تست، تحلیل واریانس و پیرسون استفاده شده است. روایی صوری و اعتبار پرسشنامه‌های پژوهش حاضر توسط اساتید و متخصصان مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. در پژوهش حاضر برای ارزیابی پایایی متغیرها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ برای متغیر قانون‌گریزی $0/90$ ، رضایت از زندگی $0/83$ ، اعتماد اجتماعی $0/79$ ، احساس انومی $0/74$ ، جمع‌گرایی $0/81$ ، احساس تبعیض $0/85$ است. همان طور که ملاحظه می‌شود میزان ضرایب آلفای کرونباخ محاسبه شده در تمامی موارد بزرگتر از $0/7$ است که از اعتبار بالای شاخص‌ها حکایت دارد.

یافته‌های پژوهش

الف) یافته‌های توصیفی

از مجموع 248 نفر پاسخگو، $52/4$ درصد زن و $47/6$ درصد مرد هستند. از کل پاسخگویان $45/5$ درصد مجرد، 50 درصد متأهل و $4/5$ درصد همسر فوت شده و مطلقه هستند. میانگین سنی و تحصیلی پاسخگویان به ترتیب 31 سال و 14 سال (فوق دیپلم) است. $36/7$ درصد پاسخگویان شاغل، 27 درصد دانشجو، $18/5$ درصد بیکار، $8/9$ درصد بازنشسته هستند. بنابراین بیشترین درصد پاسخگویان این تحقیق شاغل هستند. میانگین درآمد پاسخگویان هشتصد هزار تومان است.

جدول 1- توصیف جامعه آماری پژوهش

متغیر	فراوانی	درصد
جنس	مرد	47/6
	زن	52/4
سن	تا 20 سال	25/8
	21-30 سال	31/4
	31-40 سال	28
	41-50 سال	9
	51 سال و بیشتر	5/8
تحصیلات	ابتدایی	3/4
	راهنمایی	7/2
	دبیرستان و دیپلم	27/4
	کاردانی و کارشناسی	57
	کارشناسی ارشد و دکتری	12
وضعیت تاهل	مجرد	45/5
	متاهل	50
	مطلقه و همسر فوت شده	4/5
وضعیت فعالیت	شاغل	36/7
	بازنشسته	8/9
	دانشجو	27
	بیکار	18/5
درآمد	تا 500 هزار تومان	14
	501-700 هزار تومان	21
	701-1000 هزار تومان	52/2
	1001-1500 هزار تومان	8/3
	1501 هزار تومان و بیشتر	4/5

میزان قانون‌گریزی در بین پاسخگویان

بر اساس جدول (1) میزان قانون‌گریزی در بین 36/5 درصد پاسخگویان کم، 52/8 درصد تا حدودی و 10/7 درصد زیاد است. میانگین میزان قانون‌گریزی در بین پاسخگویان 1/3 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان کمی را نشان می‌دهد.

میزان رضایت پاسخگویان از زندگی

میزان رضایت پاسخگویان از امور مختلف زندگی مورد سوال قرار گرفت. در پاسخ 14/9 پاسخگویان میزان رضایت خود را از امور مختلف زندگی کم، 56/2 درصد تا حدودی و 28/9 درصد زیاد ذکر کرده‌اند. میانگین میزان رضایت از زندگی 2/1 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان متوسطی را نشان می‌دهد.

میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان

میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان مورد سوال قرار گرفت که این میزان در بین 17/1 پاسخگویان کم، 48/6 درصد تا حدودی و 34/3 درصد زیاد ذکر شده است. میانگین میزان اعتماد اجتماعی 2/2 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان متوسطی را نشان می‌دهد.

میزان احساس تبعیض پاسخگویان در جامعه

25 درصد پاسخگویان به میزان کم، 57/4 درصد تا حدودی و 17/6 درصد به میزان زیاد احساس تبعیض در جامعه می‌کنند. میانگین میزان احساس تبعیض 1/9 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان کمی را نشان می‌دهد.

میزان آنومی در جامعه از نظر پاسخگویان

بر اساس داده‌ها 13/6 درصد پاسخگویان به میزان کم، 47/7 درصد تا حدودی و 38/7 درصد به میزان زیاد احساس آنومی در جامعه دارند. میانگین میزان آنومی 2/3 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان متوسطی را نشان می‌دهد.

میزان جمع‌گرایی پاسخگویان

بر اساس جدول ذیل 14/2 درصد پاسخگویان به میزان کم، 70/5 درصد تا حدودی و 15/3 درصد به میزان زیاد ویژگی جمع‌گرایی دارند. میانگین میزان جمع‌گرایی 2 (دامنه میانگین بین 1 تا 3) است که میزان متوسطی را نشان می‌دهد.

جدول 2- توصیف متغیرهای وابسته و مستقل

پاسخ‌ها	کم	متوسط	زیاد	میانگین (بین 1 تا 3)
قانون‌گریزی	36/5	52/8	10/7	1/3
رضایت از زندگی	14/9	56/2	28/5	1/2
اعتماد اجتماعی	17/1	48/6	34/3	2/2
احساس تبعیض	25	57/4	17/6	1/9
آنومی	13/6	47/7	38/7	2/3
جمع‌گرایی	14/2	70/5	15/3	2

ب) یافته‌های استنباطی

فرضیه 1: بین میزان قانون‌گریزی با جنس و وضعیت تأهل پاسخگویان تفاوت معنادار وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد بین میزان قانون‌گریزی و وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود دارد. این تفاوت با 95 درصد اطمینان معنادار شده است. بدین معنی که مجردان بیش از متأهلان قانون‌گریز هستند. اما بین میزان قانون‌گریزی و جنس رابطه معنادار ملاحظه نگردید.

جدول 3 - آزمون تفاوت میانگین میزان قانون‌گریزی با جنس و وضعیت تأهل پاسخگویان

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	معناداری
قانون‌گریزی	مرد	14/57	12/98	195	0/277
	زن	12/43	14/41		
وضعیت تأهل	مجرد	16/21	15/42	3/003	0/003
	متاهل	10/28	10/28		

فرضیه 2: بین میزان قانون‌گریزی با سن، تحصیلات و میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد بین میزان قانون‌گریزی و سن رابطه معنادار وجود ندارد، ولی بین میزان قانون‌گریزی و تحصیلات و میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان رابطه معنادار معکوس وجود دارد. یعنی با افزایش سطح تحصیلات و میزان درآمد، میزان قانون‌گریزی کاهش می‌یابد.

جدول 4- ضرایب همبستگی میزان قانون‌گریزی با سن، تحصیلات میزان درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان

متغیر	سن	تحصیلات	درآمد ماهیانه خانواده پاسخگویان
ضریب همبستگی	-0/111	-0/27**	-0/43*
معداری	/120	0/004	0/03
تعداد	196	186	147

فرضیه 3: بین میزان قانون‌گریزی با وضعیت اشتغال پاسخگویان تفاوت معنادار وجود دارد. نتایج نشان می‌دهد بین میزان قانون‌گریزی و وضعیت اشتغال آنان تفاوت معنادار وجود دارد. این رابطه با 99 درصد اطمینان معنادار شده است. بدین معنی که شاغلان کمتر از بازنشستگان و دانشجویان و بیکاران قانون‌گریز هستند.

جدول 5- تحلیل واریانس میزان قانون‌گریزی و وضعیت اشتغال پاسخگویان

متغیر وابسته	متغیر مستقل	منبع تغییرات	درجه آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	F	معداری
قانون‌گریزی	وضعیت اشتغال	بین گروهی	3	2084/75	64/91		
		درون گروهی	164	3193/72	190/2	3/65	0/014
		کل	167	33278/47			

جدول 6- آزمون LSD

متغیر وابسته	وضعیت اشتغال	تفاوت میانگین	اشتباه استاندارد	سطح معناداری
قانون‌گریزی شاغل	بازنشسته	-9/2594*	3/90	0/019
	بیکار	-8/0073*	2/92	0/007
	دانشجو	-4/4760	2/56	083

فرضیه 4: بین میزان قانون‌گریزی و میزان رضایت پاسخگویان از زندگی، اعتماد اجتماعی، احساس تبعیض، احساس انومی، میزان جمع‌گرایی رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج نشان می‌دهد بین میزان قانون‌گریزی و میزان اعتماد اجتماعی و میزان رضایت از زندگی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان افزایش می‌یابد، هر چه میزان رضایت از زندگی افزایش می‌یابد، میزان قانون‌گریزی آنان کاهش می‌یابد.

همچنین نتایج نشان داد هر چه میزان احساس آنومی پاسخگویان افزایش می‌یابد، میزان قانون‌گریزی افزایش پیدا می‌کند.

بین احساس تبعیض و میزان جمع‌گرایی پاسخگویان با میزان قانون‌گریزی رابطه معنادار ملاحظه نگردید.

جدول 7- ضرایب همبستگی بین میزان قانون‌گریزی و میزان رضایت از زندگی، اعتماد اجتماعی، احساس تبعیض، احساس آنومی، میزان جمع‌گرایی

متغیر وابسته	رضایت از زندگی	اعتماد اجتماعی	احساس تبعیض	احساس آنومی	میزان جمع‌گرایی
ضریب همبستگی	-0/199**	-0/190**	0/046	0/024**	0/000
معناداری	0/007	0/008	532	0/007	0/995
تعداد	180	193	190	195	188

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که ملاحظه شد از مجموع 248 نفر پاسخگو، 52/4 درصد زن و 47/6 درصد مرد هستند. میانگین میزان قانون‌گریزی در بین پاسخگویان 1/3 (میزان کم)، میانگین میزان رضایت از زندگی 2/1 (میزان متوسط)، میانگین میزان اعتماد اجتماعی (میزان متوسط)، میانگین میزان احساس تبعیض 1/9 (میزان کم)، میانگین میزان آنومی 2/3 (میزان متوسط)، میانگین میزان جمع‌گرایی 2 (میزان متوسط) است (دامنه تغییرات بین 1 تا 3 است).

یافته‌های استنباطی هم نشان داد بین میزان قانون‌گریزی و وضعیت تأهل تفاوت معناداری وجود دارد. بدین معنی که مجردان بیش از متأهلان قانون‌گریز هستند. در تحقیق میرفردی و فرجی (1395) نیز افراد مجرد نسبت به افراد متأهل گرایش بیشتری به قانون‌گریزی داشته‌اند. اما بین میزان قانون‌گریزی و جنس تفاوت معنادار ملاحظه نگردید. این نتیجه با تحقیق عزیزی و پرتوی (1394) و تحقیق میرفردی و فرجی (1395) که در آن میزان قانون‌گریزی مردان از زنان بیشتر است هم‌خوانی ندارد، ولی با تحقیق زارع شاه‌آبادی و ترکان (1392) مطابقت دارد.

نتایج نشان داد بین میزان قانون‌گریزی و سن پاسخگویان رابطه معنادار وجود ندارد. این نتیجه با نتیجه تحقیق زارع شاه آبادی و ترکان (1392) هم‌خوانی ندارد. بین میزان قانون‌گریزی و تحصیلات پاسخگویان رابطه معنادار معکوس وجود دارد. یعنی با افزایش سطح تحصیلات، میزان قانون‌گریزی کاهش می‌یابد. این نتیجه با نتیجه تحقیق زارع شاه آبادی و ترکان (1392) مطابقت دارد. در مورد رابطه میزان قانون‌گریزی با وضعیت فعالیت نتایج نشان داد که بین آنها تفاوت معنادار وجود دارد. بدین معنی که شاغلان کمتر از بازنشستگان و دانشجویان و بیکاران قانون‌گریز هستند.

همچنین بررسی‌ها نشان داد بین میزان قانون‌گریزی و میزان رضایت از زندگی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. یعنی هر چه میزان رضایت از زندگی افزایش می‌یابد، میزان قانون‌گریزی آنان کاهش می‌یابد. در تأیید این نتیجه مازلو مطرح می‌کند اگر افراد به نیازهای مورد انتظار خود دست پیدا نکنند و از جامعه ناراضی باشند، دست به قانون‌گریزی می‌زنند. بررسی‌ها نشان داد بین میزان قانون‌گریزی و میزان اعتماد اجتماعی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. یعنی هر چه میزان اعتماد اجتماعی پاسخگویان افزایش می‌یابد، میزان قانون‌گریزی آنان کاهش می‌یابد. در تأیید نتیجه ذکر شده کاکس و کلمن مطرح می‌کنند که اگر در جامعه‌ای بی‌اعتمادی در بین مردم شایع گردد و مردم وجدان خود را نادیده انگارند، اعمال ضد اجتماعی و جرائم از جمله قانون‌گریزی اموری عادی قلمداد می‌گردند. همچنین بررسی‌ها نشان داد بین میزان قانون‌گریزی و میزان جمع‌گرایی رابطه معنادار وجود ندارد. همچنین نتایج نشان داد هر چه میزان احساس انومی پاسخگویان افزایش می‌یابد، میزان قانون‌گریزی افزایش پیدا می‌کند. این نتیجه با تحقیق میرزایی و همکاران (1396) که در آن بین احساس انومی و قانون‌گریزی رابطه معنادار مستقیم وجود دارد، هم‌خوانی دارد. در تأیید نتیجه ذکر شده دورکیم هم معتقد است زمانی که قواعد اجتماعی در جوامع پیچیده کمتر التزام‌آور می‌شود و مردم احساس می‌کنند که از فشار هنجاری‌های اجتماعی کاسته شده است، آنگاه شاهد انحرافات از جمله جرم و قانون‌گریزی اجتناب‌ناپذیر می‌شود. دورکیم این وضعیت جامعه را انومی می‌خواند و در نهایت نتایج نشان داد بین احساس تبعیض پاسخگویان و میزان قانون‌گریزی رابطه معنادار ملاحظه نگردید. این یافته با نتیجه تحقیق عشایری و همکاران (1394) که در آن نابرابری طبقاتی با قانون‌گریزی

شهروندان رابطه معنادار داشته، هم‌خوانی ندارد. این نتیجه در نظریه محرومیت نسبی مورد تأیید قرار گرفته است. بر اساس این نظر افراد طبقات پایین هنگام مقایسه شرایط زندگی خود با افراد ثروتمند، احساس محرومیت می‌نمایند و این احساس محرومیت منجر به احساس بی‌عدالتی و نارضایتی گردیده و عدم اعتماد را در آنها پرورش می‌دهد، در نتیجه شانس پیشرفت آنها از طریق معیارهای مشروع مسدود می‌گردد و احساس ناتوانی را به‌وجود می‌آورد که یکی از نتایج آن قانون‌گریزی است.

پیشنهادها

به منظور کاهش میزان قانون‌گریزی و قانون شکنی در سطوح فردی و اجتماعی راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- با توجه به تأثیر تأهل و شغل در رعایت قانون، دولت و مسئولان اجرایی بایستی به موضوع ازدواج و اشتغال جوانان توجه جدی نشان دهند و تسهیلاتی مانند وام‌های بانکی با درصد سود پایین و خانه‌های ارزان قیمت در اختیار آنان قرار دهند؛
- نیروی انتظامی با اجرای کارگاه‌های آموزشی در مدارس و حتی کودکان‌ها، اجرای قانون و رعایت آن را به کودکان آموزش دهند. و با انجام طرح‌هایی مانند طرح پلیس مدرسه، همیاران پلیس آنان را به اجرای قانون از همان کودکی تشویق نمایند؛
- در کتب درسی مدارس، دانشگاه‌ها مطالب آموزشی در مورد رعایت قانون گنجانیده شود؛
- آموزش‌های لازم به شهروندان به منظور نهادینه شدن احترام به قانون، توسط نهادهای آموزشی مثل مدرسه و دانشگاه ارائه گردد؛
- رسانه‌ها و مطبوعات می‌توانند ضمن آگاهی دادن به مردم از طریق ساختن فیلم و سریال، میزان اعتماد مردم را بالا ببرند؛
- مجریان قانون باید افرادی باشند که از دانش لازم برای وضع قوانین برخوردار باشند.

تقدیر و تشکر

در پایان بر خود لازم می‌دانم از شهروندان سمنانی که با نهایت دقت به سوال‌های پژوهشگران پاسخ دادند، تشکر و قدردانی می‌کنم.



- اینگلهارت، رونالد (1998). تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- جواهری، فاطمه؛ بالاخانی، قادر (1385). بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی. مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال سوم، شماره اول، صص 1-29.
- <http://ensani.ir/file/download/article/20110106193741-1.pdf>
- حسینی، سیدعلی اصغر (1389). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی. مجله معرفت، سال نوزدهم، شماره 15، صص 31-42.
- <http://ensani.ir/file/download/article/20120329121133-2131-3.pdf>
- رضایی، محمد (1384). میزان، نوع و عوامل موثر بر قانون گریزی. مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره 3، صص 47-69.
- [file:///C:/Users/nayer/Downloads/64613840303%20\(2\).pdf](file:///C:/Users/nayer/Downloads/64613840303%20(2).pdf)
- رفیع‌پور، فرامرز (1378). آنومی یا آشفتگی اجتماعی: پژوهشی در زمینه پتانسیل آنومی در شهر تهران. تهران، سروش.
- زارع شاه آبادی، اکبر؛ ترکان، رحمت اله (1392). عوامل قانون‌گرایی شهروندان در شهر یزد. فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره 5، صص 159-206.
- <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1137539>
- شمس‌الدینی، علی؛ جمینی، داود (1396). واکاوی فضایی جرم در استان‌های ایران با تأکید بر شاخص‌های سرقت. مهندسی جغرافیایی سرزمین، دوره اول، شماره 2، صص 95-105.
- file:///C:/Users/nayer/Desktop/kol/daneshjoyan/khairkhahan/JGET_Volume%201_Issue%202_Pages%2095-105.pdf
- صدا و سیما (1377). نظرسنجی از مردم تهران درباره میزان قانون‌پذیری و چگونگی رعایت قانون. مرکز تحقیقات، مطالعات و سنجش برنامه‌های صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- علی بابایی، یحیی؛ فیروزجائیان، علی اصغر (1388). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی. فصلنامه دانش انتظامی، سال یازدهم، شماره 4، صص 7-58.
- <https://www.magiran.com/paper/1434307>

- عزیزى، سلام ؛ پرتوى، لطيف (1394). تحليل جامعه‌شناختى عوامل مرتبط با ميزان قانون‌گريزى شهروندان شهر مريوان در سال 1393-94. مطالعات جامعه‌شناسى، سال 8، شماره 29، صص 133-113.
http://jss.iaut.ac.ir/article_525196_f30b38b933bcc8a2e85fbf7970d7cccd.pdf
- عوقى، وحيد (1390). جمع‌گرایی، فردگرایی از دیدگاه فرهنگ جامعه مهدوی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی. سال اول، شماره دوم، صص 75-98.
<http://ensani.ir/file/download/article/20130115085203-9721-11.pdf>
- عشایری، طاها ؛ عباسی، الهام؛ نطقی کاشانی، علیرضا؛ پیرحیاتی، نرگس (1394). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر قانون‌گریزی شهروندان استان اردبیل. دانش انتظامی، شماره 40، صص 171-194.
<http://ensani.ir/file/download/article/20161225120409-9967-50.pdf>
- فیروزجائیان، علی اصغر (1388). قانون‌گریزی (تحلیلی از منظر نظریه عدالت رویه‌ای). فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره 42، صص 381-410.
<file:///C:/Users/nayer/Downloads/62113904214.pdf>
- گرب، ادواردج (1381). نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر. ترجمه محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد. تهران: چاپخانه میعاد.
- مازلو، آبراهام اچ (1995). انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی، تهران: آستان قدس رضوی.
- میرزایی، ابراهیم؛ احمدی، یعقوب؛ بخارایی، احمد؛ نایی، هوشنگ (1396). تأثیر عوامل اجتماعی - فرهنگی بر قانون‌گریزی (مورد مطالعه: استان خوزستان). مطالعات امنیت اجتماعی، شماره 54، صص 189-228.
http://sss.jrl.police.ir/article_19028_0525c47a223036e54f2f16d13e22c425.pdf
- مبارکی، محمد (1383). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و جرم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی دانشگاه تهران.
- معید فر، سعید ؛ دربندی، سید علیرضا (1385). بررسی رفتار و نگرش جمع‌گرایانه شهروندان تهرانی. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هفتم، شماره 3، صص 34-58.
http://www.jsi-isa.ir/article_25409_68234f9804ce77ec34cc3d1803a35adc.pdf
- میرفردی، اصغر ؛ فرجی، فروغ (1395). بررسی میزان گرایش به قانون‌گریزی و رابطه آن با میزان مشارکت اجتماعی و میزان کنترل اجتماعی در شهر یاسوج. جامعه‌شناسی کاربردی، سال 27، شماره 2، صص 93-110.
http://jas.ui.ac.ir/article_20493_863112016d1a9ee347df80d811de2395.pdf

- هزار جریبی، جعفر؛ صفری شالی، رضا (1388). بررسی رضایت از زندگی و جایگاه احساس امنیت در آن. فصلنامه علمی - پژوهشی انتظام اجتماعی، سال اول، شماره 3. صص 28-7.
file:///C:/Users/nayer/Downloads/4001213880301%20(1).pdf
- یعقوبی، صمد (1381). بررسی پدیده قانون گرایی و قانون گریزی در بین شهروندان تبریزی. تبریز: مرکز افکار سنجی دانشجویان.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (1381). یافته های پیمایش در 28 کشور استان ارزشها و نگرش های ایرانیان. ویرایش اول، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش ها و نگرش ها
- Ferrer, R. (2009). Breaking the Law. When Other Do European Economic. Review: 54, P.p:163-180
- Wang Xiao show and Shang (2010). An Analysis of Psychological Factors of Law-abiding Behavior. Journal of Hubei University (Philosophy and Social Science).

